




## فرهنگ در تقاطع قهر و آشتی



رضا صامی

دبیر گروه فرهنگی

از وضعیت سینمای ایران در سال ۱۴۰۳ آمده به شکل مبسوط‌تری به این مسائل در ابعاد کلان‌تری پرداخته شده است. از سوی دیگر شبکه نمایش خانگی هم امسال دوران پر فراز و نشیبی را طی کرده و نشان داده حالا پلتفرم‌ها چه نقش مهمی در جذب مخاطب داشته‌اند و چه خاطرات تلخ و شیرینی را در حافظه تصویری مردم ثبت کرده‌اند. امسال البته هنرمندان ارزشمندی را هم از دست دادیم که برخی از آنها چهره‌های شاخص حوزه کاری خود بوده‌اند. در حوزه سینما هم با وجود مشکلات فراوانی که وجود داشت چند اتفاق خوب و امیدوار کننده هم رخ داد از جمله نمایش ویژه فیلم «پیرپسر» در جشنواره فیلم فجر که به اعتقاد خیلی‌ها پدیده امسال جشنواره و البته سینمای ایران بود که اگر آن را در کنار فیلم‌هایی مثل «رکسانا»، «رها»، «زیبا صدایم کن» و «علت مرگ نامعلوم» قرار دهیم امید به احیای سینمای اجتماعی تأثیرگذار بیشتر شد و این می‌تواند مسیر موفقیت را برای سیاستگذاران و مدیران سینمایی ترسیم کند تا چشم‌انداز بهتری را برای سینمای ایران روشن کنند. از جمله فیلم‌های خوب امسال که هم‌اکنون به عنوان یکی از فیلم‌های اکران نوروزی در حال نمایش است فیلم «موسی کلیم الله» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا بود که فرهاد آئیش به دلیل بازی در این فیلم سیمرغ بلورین بهترین بازیگر مکمل مرد را دریافت کرد. گفت‌وگوی او با «ایران» در این باره خواندنی است. همچنان که صحبت‌های اکبر زنجانی‌پور بازیگر پیشکسوت تئاتر هم شنیدنی است. امیدوارم ورق زدن صفحات فرهنگی سالنامه ایران با لذت خواندن مخاطبان همراه شود. 

فاصله کم نشود، نمی‌توان چیزی بر سینمای ایران افزود. صالحی از وفاق بین دولت و ملت به‌عنوان مهم‌ترین ضلع گفتمان وفاق گفته و تأکید کرده: «مسائل مهمی در این بخش هست که وزارت فرهنگ به‌دلیل حوزه‌هایی که با آن سروکار دارد، شامل حوزه‌های فرهنگ و هنر و رسانه و دین، می‌تواند در این زمینه نقش مهمی داشته باشد چراکه بخش وسیعی از نخبگان کشور می‌توانند پل ارتباطی بین دولت و ملت باشند و این اقشار با وزارت فرهنگ و ارشاد مرتبط هستند. آنان در ارتباطی خوب می‌توانند یک انسجام درونی با حاکمیت و ملت شکل بدهند.» برای رسیدن به این هدف باید ابتدا بی‌اعتمادی هنرمندان به سیاستگذاران و مدیران دولتی را کم کرد و اولین گام در این مسیر حل مشکلات قضایی و اقتصادی آنهاست. این روند را باید تغییر داد و قطار فرهنگی کشور را به ریل و مسیر درست خود برگرداند. تولید به‌سمت رکود رفته و با این ایست‌بازرسی‌ها و اتفاقاتی که مدیریت نمی‌شود، چشم‌ها از سرمایه‌گذاری‌های تازه در حوزه فرهنگ و هنر ترسیده و ذره‌بین انداختن‌های ناتمام و نیت‌خوانی‌ها، اهالی هنر را مضطرب و نگران و امیدها را کم‌رنگ و بی‌رنگ کرده است. دولت وفاق باید سینما را از این کابوس‌ها نجات دهد و فانوس امید را روشن کند. در گفت‌وگویی‌هایی که در پرونده فرهنگی سالنامه ایران می‌خوانید بویژه در صحبت‌های رضا کیانیان با حمید رضا جلالی‌پور می‌توانید به شکل جزئی‌تری با این چالش‌ها و دغدغه‌ها آشنا شوید. همچنانکه منوچهر شاهسواری دبیر جشنواره فیلم فجر امسال هم از لزوم تغییر ساختاری این جشنواره مهم فرهنگی و هنری گفته است. همچنین در گزارشی که

حوزه فرهنگ در سالی که گذشت، چیزی شبیه به موقعیت‌گذار را تجربه کرده بود. در میانه انتقال قدرت و تغییر دولت قرار گرفت تا بار دیگر اهالی فرهنگ و هنر، دل در گرو امیدی تازه ببندند تا شاید قصه‌ای از دلخوشی‌ها هرچند اندک را در مدیریت و سیاستگذاری‌های فرهنگی شاهد باشند. دکتر سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم معارفه‌اش تأکید کرده بود: «دولت چهاردهم در رسالت بزرگ دارد که اگر بتواند گام‌های جدی در این مسیر بردارد، به توفیق نزدیک شده است. اولین رسالت آن «ملی» است که راهکارش وفاق است و بعدی، مبارزه با انزوای ایران که در سطح بین‌الملل مطرح است و وزارت فرهنگ و ارشاد می‌تواند نقش پیشگام را در این مسیر داشته باشد.» تحقیق این سخن در ساحت فرهنگ و هنر این بود که ابتدا شکاف بین هنرمندان و دولت کم شود و این جز با کاهش تصدی‌گری دولت در حوزه فرهنگ ممکن نیست. مثلاً اگر قرار باشد سینما ملی شود قطعاً این هدف از مسیر دولتی بودن سینما نمی‌گذرد. تقویت و حمایت از اصناف سینمایی می‌تواند سیاستی راهبردی و راهگشا در این مسیر باشد تا در دولت وفاق به سینمای ملی نزدیک شویم و چه بسا بتوان «سینمای وفاق» را نام دیگر سینمای ملی گذاشت. بی‌اعتمادی بین هنرمندان و دولتمردان در سال‌های اخیر، حفره بزرگی ایجاد کرده که چرخه تولیدی آن را در ساختار و وضعیت موجود با دست‌اندازها و سقوط همراه می‌کند. تا این شکاف و